

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت و یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵

اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپز نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵

جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷

آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱

نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹

نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه‌شعوب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷

پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹

جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳

ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱

بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
1561.9400

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان 1402 (پیاپی 72)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه 3/18/44146 مورخ 1395/03/08
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره 1182، طبقه 2، واحد 9

شناسه پستی: 1315693519

تلفن: 66490612، دورنگار: 66406258

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: 70000 تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید».../ حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسر»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی.../ محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

پژوهشی درباره کهن ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»

* سجّاد حبیبی

** هادی نصیری

چکیده

شواهد شعری دوره قبل از اسلام منبعی ضروری برای درک معانی حقیقی و مجازی برخی از کلمات قرآن به شمار می آید. از جمله تفاسیر موفق در ارائه نکات ادبی و استفاده از اشعار عربی برای تفسیر آیات، «الکشاف» است. در میان بیش از صد حاشیه و شرح بر تفسیر زمخشری، دست نوشته ای کهن و نویافته با عنوان «شرح ابیات الکشاف» بر جای مانده است که آن را می توان قدیم ترین اثر در شرح ابیات مورد استناد این تفسیر دانست. این اثر، به احتمال بسیار، متعلق به سده هفتم هجری است که به دست یکی از شاگردان ناشناخته ظهیرالدین صحاف تألیف شده است. محورهای اصلی مقاله حاضر این هاست: بررسی متن یادشده از حیث محتوایی، اثرپذیری آن از منابع متقدم، تأثیر آن بر منابع متأخر، و بیان نکاتی در نقد شارح.

کلیدواژه ها: اعجاز بیانی، کشاف، زمخشری، بلاغت، شواهد شعری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۴

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) / Habibi.S@Chmail.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم / H.Nasiri.218@Gmail.com

◆ پژوهش حاضر، برگرفته از رساله دکتری سجّاد حبیبی است که با راهنمایی استادیار محترم، هادی نصیری و مشاوره استاد محترم، محمدعلی مهدوی راد و نسخه پژوه گرامی، علی صدراپی خویی به سامان رسیده است.

مقدمه

از مهم‌ترین زمینه‌های فهم اعجاز بیانی و شگفتی‌های بلاغی آیات قرآن، تفحص در شعر و ادب عرب عصر جاهلی است و بررسی اشعار کهن عربی سبب فهم دقیق‌تری از اعجاز بیانی قرآن می‌شود؛ چراکه معجزه نبوی از جنس سخن بوده و صناعات لفظی در زمان نزول آیات قرآن، از عرصه‌های متداول و قابل توجه در جزیره العرب به‌شمار می‌رفته است. از طرفی، استفاده از شواهد شعری دوره قبل از اسلام، برای فهم معانی اولیه از لغات و آیات قرآن، لازم بوده و حتی گاه تنها راه فهم معانی حقیقی و مجازی کلمات قرآن، بهره‌گیری از همین اشعار است.

تفاسیر مختلف قرآن، از لحاظ روش و گرایش، رویکردهای متفاوتی نسبت به اشعار عرب داشته‌اند. از جمله تفاسیر متقدم و موفق در ارائه نکات ادبی و استفاده از اشعار عربی برای فهم آیات، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل نگاشته مفسر و ادیب خوارزم، جارالله زمخشری است. این تفسیر از منابع اصیل قرآن‌پژوهان در زمینه اعجاز بیانی آیات قرآن است و می‌توان گفت که به‌همراه تفاسیر تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی و انوار التنزیل بیضاوی، کتب اربعه دانش تفسیر را شکل می‌دهند.

پس از تألیف کشاف در اوایل قرن ششم هجری، مفسران و مصنفان توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که از اواخر آن سده تا کنون، بیش از صد عنوان شرح، حاشیه، تعلیق، مختصر و شرح شواهد شعری، در ذیل آن نوشته شده است (حبشی، ۱۴۲۵ق: ۳/۱۴۵۴-۱۴۶۸). یکی از آثاری که در شرح ابیات مورد استناد این تفسیر نگاشته شده، دست‌نویسی کهن و نویافته با نام «شرح ابیات الکشاف» است که تا کنون تصحیح نشده و در فهرست شروح و حواشی کشاف نامی از آن نیامده است. این نسخه خطی که می‌توان آن را قدیم‌ترین اثر تألیفی در شرح شواهد شعری کشاف برشمرد، تألیف یکی از شاگردان ناشناخته ظهیرالدین صحاف است. تاریخ دقیق تألیف این کتاب به دلیل ناشناخته‌بودن مؤلف و فقدان نسخه‌ای به خط او مشخص نیست، اما کهن‌ترین نسخه از بین دست‌نوشته‌های موجود و در

دسترس از این اثر، با تاریخ کتابت ۶۹۶ق در مجموعه فاتح کتابخانه سلیمانیه ترکیه به شماره ۶۲۵ نگهداری می‌شود و در این نوشته هم به همین نسخه استناد می‌شود. مؤلف در آغاز و انجام کتاب نامی از خویش نمی‌برد، اما در خطبه آغازین کتاب، نکته‌ای را یادآور می‌شود که ممکن است زمینه‌ای برای آشنایی با او باشد:

پس از این که شرح ابیات کتاب «المفصل» را به پایان بردم، یکی از دوستان درخواست کرد که ابیات تفسیر کشاف را نیز شرح دهم، چه این که معانی شواهد شعری کشاف بر بیشتر ادیبان، حتی دانشمندان ایشان، پوشیده است (شرح ابیات الکشاف: گ ۱پ).

با بررسی‌هایی که در منابع متعدّد انجام شد، درباره هویت شارح که علاوه بر تألیف اثر حاضر، اشعار کتاب دیگری از زمخشری با نام «المفصل» را نیز شرح کرده است، اطلاعی به دست نیامد.

مطلب دیگر نام بردن مؤلف از استاد خویش است که در ذیل بیت ۷۵، نام وی را «ظهیرالدین الصحاف» ذکر می‌کند (همان: گ ۱۴پ). برای اطلاع از نام و نشان مؤلف کتاب حاضر در میان شاگردان ظهیرالدین صحاف، بررسی‌های متعدّدی انجام گرفت که نتیجه این بررسی حاکی از آن بود که نام وی تنها در یک اثر آمده است. در کتاب ذیل طبقات الفقهاء الشافعیین، که تکمله‌ای بر کتاب ابن کثیر است، عبّادی نام استاد شارح را در ذیل بیان ترجمه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی (د. ۷۱۰ق) چنین آورده است:

قرأ الکشاف وغيره من الكتب الأدبية والعربية على العلامة ظهیرالدین الصحاف (عبّادی، بی تا: ۱۸۷).

این که شارح قطب‌الدین شیرازی باشد ادعایی نادرست است؛ چراکه حاشیه قطب‌الدین بر کشاف اثر مستقل دیگری است و از طرفی در میان آثار قطب‌الدین، «شرح ابیات المفصل» گزارش نشده است. البته شاید بتوان گفت مؤلف این دست نوشته، هم‌دوره و احتمالاً هم‌درس قطب‌الدین شیرازی در حضور ظهیرالدین صحاف بوده است.

هرچند تاکنون از «شرح ابیات الکشاف» نسخه‌ای به خط مؤلف یافت نشده است اما می‌توان زمان تقریبی تألیف آن را حداکثر حدود صد و پنجاه سال پس از وفات زمخشری (د. ۵۳۸ق) تخمین زد. لذا اهمیت این متن، به سبب قرابت زمانی با دوران تألیف تفسیر

کشف و استفاده از ادبیات علمی آن عهد، افزون می‌شود؛ به‌ویژه آن‌که این متن به احتمال زیاد نخستین تألیف و تصنیف در زمینه شرح آیات تفسیر کشف به‌شمار می‌آید. از طرفی با توجه به محتوای این اثر می‌توان گفت که شارح فرد متبحری در علوم ادبی بوده و فهم او از ابیاتی که زمخشری در ذیل آیات بدان‌ها استناد کرده شایسته توجه است، به‌خصوص از این جهت که شماری از قرآن‌پژوهان و ادیبان متأخر هم در فهم برخی از این ابیات دچار اشتباه شده‌اند.

بررسی مقدمه این اثر، تحلیل آراء شارح در لغت و ادب عربی، تبیین نظر شارح در ذیل برخی اشعار، و نقد برخی از دیدگاه‌های مؤلف، از جمله مطالبی است که در نوشته حاضر بدان‌ها پرداخته شده است. همچنین تحلیل این متن کهن از حیث تأثیر و تأثر، با هدف تعیین منابع مورداستفاده شارح و اثبات اثرگذاری این متن بر تألیفات پس از خود، بخش دیگری از مطالب این مقاله را به خود اختصاص داده است.

نکاتی در نسخه‌شناسی اثر

کهن‌ترین نسخه از بین دست‌نوشته‌های موجود و در دسترس از این اثر، با تاریخ کتابت ۶۹۶ق، در مجموعه فاتح کتابخانه سلیمانیه ترکیه به‌شماره ۶۲۵ نگهداری می‌شود. ویژگی‌های نسخه: نسخ خوش، حرکت‌گذاری شده به‌صورت غالباً صحیح، کاتب: محمد بن علی بن ایوب، اول سؤال المکرّم ۶۹۶ق در فسا. برخی از حرکت‌گذاری‌ها و اصلاح واژه‌ها با دست خط و مرکب دیگری انجام شده و از نشانه‌های این نسخه عبارت است از: علامت شنگرف در دو صفحه آغازین متن، حذف همزه از اکثر کلمات ممدود و اضافه کردن علامت مدّ بر «الف قبل از همزه» جهت شناساندن کلمه ممدود، رکابه‌دار، دارای حواشی توضیحی و تصحیحی در صفحات مختلف و حاوی علامت بلاغ که اولین آن در «۸ر» درج شده است. ۱۰۹ برگ و ۲۱ سطر.

آغاز: بسملة. ربّ تمّم بالخیر. إنّ أوّلی ما یفتتح به الكتاب وأحلی ما یوشح به صدر الخطاب حمد الله الکریم الوهاب، الرحیم التوّاب الذی وعد الثواب وأوعد العقاب. ثمّ الصلوة علی محمد الذی انتخبه من أشرف العرب العربا وطهره من

كَلِّ دَنْسٍ وَرَيْبٍ وَعَابٍ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الْأَنْجَابِ... أَنْ أُشْرَحَ آيَاتُ الْكَشَافِ فِي التَّفْسِيرِ الَّذِي... وَتَصَفَّحْتُ دَوَائِنَ الْقَدَمَاءِ وَاسْتَخْرَجْتُ مِنْهَا تَبَيُّنَ الْآيَاتِ وَشَرَحْتُهَا كَمَا هُوَ مَنْقُولٌ عَنْ أَرْبَابِ اللِّغَاتِ.

انجام: ... كما قال: إِنَّ الْعُلَى حَسَنٌ فِي مِثْلِهَا الْحَسَدِ. هَذَا آخِرُ آيَاتِ الْكَشَافِ شَرَحْتُهَا عَلَى قَدْرِ فَهْمِي وَمَعْرِفَتِي تَذَكُّرًا لِلْإِخْوَانِ بِمَعُونَةِ الرَّحْمَنِ. فَإِنْ نَظَرَ فِيهِ ذُو نَظَرٍ ثَابِتٍ فَرَأَى فِيهِ خِلَافًا فَلْيُصَلِّحْهُ فَإِنَّ الْخَاطِيَّ مَعْدُورٌ وَالْيَسِيرَ مَعْفُودٌ، أَسْأَلُ اللَّهَ الْكَرِيمَ أَنْ يَهَبَ لِي خَاتِمَةَ الْخَيْرِ وَالْحَسَنَى وَالْفَوْزَ مِنَ الْمَثُوبَةِ بِالْحِظِّ الْأَسْنَى وَأَنْ يَتَجَاوَزَ عَن فِرطَاتِي يَوْمَ التَّنَادِ وَأَنْ لَا يَفْضَحَنِي عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

ترقیمه: فرغ من تحريره أوحج عباد الله تعالى إلى رحمة محمد بن علي بن أيوب [السِّيَرِي أَوْ التَّسْتَرِي] ببلد بسا في غرة شوال سنة ست وتسعين وستمائة غفر الله ذنوبه وستر عليه عيوبه.

در ظهر نسخه، نکاتی نوشته شده است:

شرح آیات الکشاف وقف خطیب زاده رحمه. عدد اوراق ۱۰۹ صحیح بوراقي؟ حرره الفقير محمد بن علي العبادي؛ جزم بصحته مصطفى بن لطف الله، جزم أيضاً بصحة العدد يحيى بن محمد.

همچنین در صفحه آغازین نسخه، جمله ای به زبان ترکی درج شده است:

مرحوم مغفور جنت مکان سلطان محمدخان وقف کتبندن استنساخ ایچون الندی حافظ کتبه دوادلته.^۱

۱. بررسی و تحلیل محتوایی

۱-۱. بررسی خطبه و مقدمه کتاب

همچنان که گفته شد این دست نوشته، شرح مختصری بر شواهد شعری مورد استناد زمخشری

۱. از کتاب های وقفی مرحوم مغفور جنت مکان سلطان محمدخان، که برای نسخه برداری به کتابخانه حافظ فرستاده شد، تا کتابت شود.

در تفسیر کشف است و مؤلف در مقدمه، بر نگارش این کتاب پس از تألیف «شرح آیات المفصل» تصریح می‌کند. مؤلف ضرورت اهتمام به این موضوع را پوشیده‌ماندن معنای ابیات تفسیر کشف بر بیشتر ادیبان برشمرده است. براساس مقدمه، شارح برای به‌ثمررساندن این اثر، با همت تمام کتب دانشمندان را مطالعه کرده و دیوان‌های اشعار پیشینیان را صفحه‌صفحه از نگاه خویش گذرانده است تا علاوه بر افزودن بر دانش خود پیرامون موضوع، کاستی موجود در برخی ابیات را رفع کند. سپس، براساس آراء لغویان طراز اول، به شرح مختصر ابیات همت گمارده است (شرح آیات الکشف: گ‌ا پ). شیوه شارح در شرح ابیات معمولاً این‌گونه است که ابتدا نام شاعر را ذکر می‌نماید و مفردات مهم بیت یا ابیات را معنا و سپس مراد از بیت یا ابیات را بیان می‌کند. در این کتاب، ابیات ذکر شده در تفسیر کشف، به ترتیب سور قرآن کریم در مصحف، شرح شده است.

مؤلف، در مقدمه کوتاه کتاب، نامی از خود نیاورده و بر کتاب هم نام مشخصی نهاده است. بنای مؤلف در این کتاب بر شرح ابیات به صورت نقلی و به ندرت اجتهادی است و با استفاده از دیدگاه لغویان صاحب نظر، که از ایشان با تعبیر «أرباب اللغات» یاد کرده، کتاب را سامان داده است. فهرست نگاران، این دست نوشته کهن را «شرح آیات الکشف» نام نهاده‌اند.

واژه «العرب» در خطبه کوتاه کتاب و هم‌نشینی واژگانی آن به صورت «أشرف العرب العرب» و عدم دستیابی به ضبط و معنای این واژه، در آغاز کار، بررسی بیشتری می‌طلبد که سرانجام شباهت فراوان خطبه مؤلف با یکی از خطبه‌های ابن نباته مسجل شد. «عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباتة الفارقی»، معروف به «خطیب الخطبا» در شهر حلب با ابوالطیب مُتنبّی (د. ۳۵۴ ق) شاعر شیعی دوره عباسی، مجالست داشته (ابن خلکان، ۱۹۷۰ م: ۱۵۶/۳) و در برهه‌ای استاد سید مرتضی و سید رضی بوده (بهاء‌الدین عاملی، ۱۴۱۸ ق: ۲۰۶/۱) و وفات او در سال ۳۷۴ ق ثبت شده است

۱. «العرب العرب» به معنای «عرب خالص و ریشه‌دار» است.

(ابن خَلَّکان، ۱۹۷۰م: ۱۵۷/۳). ابتدای یکی از خطب او چنین است:

الحمد لله الكريم الوهاب، الرحيم التواب، الشديد العقاب العتيد الثواب، الذي جلَّ عن الأشكال والأضراب. وتعالى عن مشاكلة الخُطاء والأصحاب... أحمدُه على نِعْمه الهنيئة العذاب وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادةً دائمةً بلا انقضاء وأشهد أن محمداً عبده ورسوله انتخبه من أشرف العرب العراب وابتعثه من أظهر أصل ونصاب من شجرة عبدمناف بن قصي بن كلاب، مبراً من كل دنس وعاب... (جزائري، ۱۴۲۸ق: ۱۳۰-۱۳۱).

بنابراین می‌توان گفت مؤلف کتاب حاضر، در نگارش خطبه کوتاه خویش، از ابتدای این خطبه ابن‌نباته اقتباسی داشته است و در غیر این صورت، این قدر می‌توان گفت که تبحر ادبی و قوت کلام مؤلف تقریباً در طراز فن بیان ابن‌نباته بوده است.

۱-۲. تسلط شارح در تشخیص بیت

زمخشری در ذیل آیه ﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ (اعراف: ۹۳) برای بیان معنای لغوی واژه «آسی» به یک مصرع از عجاج استناد می‌جوید و شارح، در ذیل بیت شماره ۲۴۴، این چنین می‌نویسد:

وَأَنْحَلَبْتُ عَيْنَاهُ مِنْ فَرْطِ الْأَسَىٰ وَكَيْفَ غَزَبَنِي دَالِجٌ تَبَجَّسَا

ذکر الزمخشری کل مصرع من هذا في موضع من الکشاف ونسبهما فيه إلى العجاج ورأيت أن المعنى والقافية والوزن فيهما متناسبة مستقيمة فضممت كل واحد من المصراعين إلى الآخر ظناً بأنهما بيت واحد وأرجو أن أكون في هذا الظن مصيباً (شرح أبيات الکشاف: گ ۳۶).

با بررسی در منابع مشخص شد که ضمیمه کردن این دو مصرع به یکدیگر توسط شارح صحیح بوده و این حاکی از تسلط او بر صنعت شعر کهن عربی است.

زمخشری مصرع اول را در ذیل آیه ۹۳ سوره اعراف (زمخشری، ۱۴۰۶ق: ۱۳۱/۲) و مصرع دوم را در ذیل آیه ۱۶۰ همین سوره نقل کرده (همان: ۱۶۹) و در ذیل هر دو آیه، مصرع را به عجاج نسبت داده است. این بیت، به همین صورتی که شارح در کتابش نقل کرده، در دیوان عجاج آمده است و منابع دیگر نیز آن را از قول این شاعر، به همین ترتیب نقل کرده‌اند (نک. ابوشعنا عجاج، ۱۴۱۶ق: ۱۵۶؛ ابوعلی قالی، ۱۴۱۹ق: ۳۱؛ حمیری

یمنی، ۱۴۲۰ق: ۴/۲۱۳۸). نکته قابل توجه این که زمخشری در اثر دیگرش، *أساس البلاغة*، این بیت را از قول عجاج، ولی سهواً با جابجایی دو مصرع نقل کرده است (زمخشری، ۱۴۱۹ق: ۱/۴۶).

۱-۳. نظر شارح درباره رؤیت الهی

صاحب تفسیر کشف، که در زمان تألیف این تفسیر معتزلی مذهب بوده، در ذیل آیه ۱۴۳ *سورة اعراف* (مشهور به آیه رؤیت یا تجلی)، که از آیات بحث برانگیز میان مفسران است، نظر اهل سنت را درباره رؤیت الهی با ذکر دو بیت به نقد می‌گذارد. شارح نیز در بیان این ابیات و در مقام شرح آن این‌گونه آورده است:

قال بعضُ العدلیة فیهم وأراد به نفسه:
 لَجَمَاعَةٌ سَامُوا هَوَاهُمْ سُنَّةً وَجَمَاعَةٌ حُمِرُ لَعْمَرِي مُؤَكَّفَةً
 قَدْ شَبَّ هُوَ بِخَلْقِهِ تَخَوُّفُوا شَنَّعَ الْوَرَى فَتَسْتَرُوا بِالْبَلْكَفَةِ
 یقرر مذهبه فی نفی الرؤیة و یقدح أهل السنة و الجماعة الذین یصدقون بأن لقاء الله تعالی حق و یقولون: نرى ربنا یوم القیامة بلا کیف، كما قال النبى (علیه السلام): «إنکم لترون ربکم كما ترون القمر لیلة البدر لا تضامون فی رؤیته». وكان الشافعی (رضی الله عنه) یتمثل فی إثبات الرؤیة بقوله تعالی: ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ یَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾ [المطففین: ۱۵] قال: لَمَا حجب الکفار فی السخط دل علی أن الأولیاء یرونه فی الرضی. وسئل رسول الله عن رؤیة العباد ربهم یوم القیامة، فقال: من ینظر إلی ربّه فی السنة مرّة و منهم من ینظر إلی ربّه فی الشهر مرّة و منهم من ینظر إلی ربّه فی الجمعة مرّة و منهم من ینظر إلی ربّه فی الیوم مرّة و منهم من ینظر إلی ربّه بکرة و عشیاً. رزقنا الله بفضلہ فی الآخرة رؤیته كما رزقنا فی الدنیا بکرمه معرفته (شرح آیات الکشف: گ ۳۶-پ ۳۷-ر).

شارح، این دو بیت را از اشعار زمخشری دانسته و مرادش از واژه «بعض العدلیة» نگارنده کشف است.^۱ سپس، در ضمن شرح، چنین می‌نویسد: ایشان [زمخشری]، بدین وسیله اعتقاد خویش را در باب نفی مطلق رؤیت الهی بیان کرده و اهل سنت را به دلیل اعتقاد به رؤیت الهی در روز قیامت، مذمت می‌کند.

۱. شیعه و معتزله را «عدلیه» گویند.

آنگاه شارح، علاوه بر نقل دو روایت نبوی در باب رؤیت الهی، دیدگاه شافعی را نیز در این باره نقل می‌کند و در پایان، ضمن بیان عبارتی در قالب دعا، اعتقاد خویش را در این باب آشکار می‌نماید. با توجه به اعتقاد شارح بر رؤیت الهی در قیامت، می‌توان گفت که وی به احتمال قوی، اشعری مذهب است. ابوالحسن اشعری، پایه‌گذار این مکتب کلامی، در اثبات رؤیت الهی با چشم در قیامت، به آیاتی از قرآن از جمله آیه ۱۴۳ سوره اعراف و آیات ۲۲-۲۳ سوره قیامت و آیه ۲۶ سوره یونس استناد جسته است (نک. اشعری، ۱۴۳۲ق: ۲۷۶-۲۸۵).

۱-۴. نقد اشعار توسط شارح

الف) شارح در ذیل آیه ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (انبیاء: ۴۷) پس از ذکر ابیاتی از نابغه ذبیانی، چنین می‌نویسد:

عَفَا حُسْمٌ مِنْ فَرْتِنَا فَالْفَوَارِعُ فَجَبُّا أَرِيكَ فَالتَّلَاعُ الدَّوَائِعُ
تَرَسَّمْتُ آيَاتٍ لَهَا فَعَرَفْتُهَا لِسِتَّةِ أَعْوَامٍ وَذَا الْعَامِ سَابِعُ
وقد كان القائل قادراً أن يقول لسبعة أعوام ويتم البيت بغير ذلك من الكلام، فلمّا لم يفعل
دلّ أنّه عجز عن إتمامه وأتمّه بما لا معنى له (شرح أبيات الكشاف: گ ۶۲پ).

بدین ترتیب شارح بر واژه‌ای از بیت دوم نقد داشته است. همچنین در پانویشت تفسیر زمخشری، از قول محمد علیان مرزوقی و کتابش با نام مشاهد الإنصاف علی شواهد الکشاف، تأملی در این باره آمده است:

ولو قال: لسبعة أعوام، لأفاد أنّ السبعة كلّها مضت وليس مراداً. فقول بعضهم: «إنه كان يكفيه أن يقول: لسبعة أعوام، فعجز عن إتمامه، وكمله بما لا معنى له»، لا وجه له إلا عدم التبصّر (مرزوقی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۰/۳).

براساس مقدمه مرزوقی (همان: ۱/ک)، وی در تألیف مشاهد الإنصاف، به کتاب محب‌الدین افندی (د. ۱۰۱۶ق) با نام تنزیل الآيات علی الشواهد من الآيات توجه داشته است. از طرفی، مطالبی که در «شرح أبيات الكشاف» در ذیل این بیت ذکر شده، بدون تغییر قابل توجهی در شرح افندی هم آمده است (محب‌الدین افندی، بی تا: ۴/۴۴۶-۴۴۷). بنابراین شاید بتوان گفت نقد مرزوقی بر عبارت پیش گفته، ناظر به کتاب تنزیل الآيات بوده و احتمالاً او اطلاعی از این نسخه نداشته است.

در مقام داوری بین دو نظر، که یکی نقد ذبیانی و دیگری رد آن نقد است، می توان گفت از آنجا که این بیت به عنوان شاهدهی برای به کار بردن «لام» در معنای «فی» می باشد، مصرع به صورت «فی سته أعوام وذا العام سابع» معنای صحیحی ندارد و چون گوینده در سال هفتم از نشانه های محبوب خویش سخن گفته، «فی سبعة أعوام» اصح است. لذا نقد شارح وارد است و با تغییر «لستة أعوام» به «لسبعة أعوام»، عبارت پایانی مصرع، یعنی «ذا العام سابع»، تکرار ماقبل محسوب می شود و طبق نظر شارح اتمام بیت با آن بی معنا خواهد بود.

ب) زمخشری در تفسیر آیه ﴿مَنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئاً وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (جاثیه: ۱۰) برای بیان معنای واژه «وراء» بیتی را شاهد مثال آورده (زمخشری، ۱۴۰۶ق: ۲۸۷/۴) که شارح آن را نقد کرده است. او در ذیل بیت شماره ۶۸۶ و پس از شرح آن، چنین می نویسد:

أَلَيْسَ وَرَائِي إِنْ تَرَاخَتْ مِنِّي تِي أَدْبُ مَعَ الْوَلْدَانِ أَرْحَفُ كَالنَّسْرِ
 وجدتُ في عدّة نسخ قد استشهد البيئ بهذا المنوال ولا مناسبة بين المصراعين من حيث
 اللفظ، والمصراع الأول من قول لبيد بن ربيعة وقوله هكذا:

أَلَيْسَ وَرَائِي إِنْ تَرَاخَتْ مِنِّي تِي لَزُومُ الْعَصَا تُحْنِي عَلَيْهَا الْأَصَابِعُ
 أَخْبَرُ أَخْبَارَ الْقُرُونِ الَّتِي مَضَتْ أَدْبُ كَأَنِّي كُلَّمَا قُمْتُ رَاكِعُ

وهذه القصيدة تسعة عشر بيتاً أولها:

بَلِينَا وَمَا تَبَلَى النُّجُومُ الطَّوَالِغُ وَتَسْبَقِي الْجِبَالُ بَعْدَنَا وَالْمَصَانِعُ
 وَأَخْرُهَا: لَعَمْرُكَ مَا تَدْرِي الصُّوَارِبُ بِالْحَصَنِ

وليس في هذه القصيدة «أدب مع الولدان» وعندني أنّ الزمخشري قد اشتبه عليه بين قول لبيد: «أدب كائي كلما قمت راعع» وبين قول القائل: «أدب مع الولدان أرحف كالنسر» وسهى فيه. هذا ما سبق إليه فهمي فإن نظره فيه دون نظر ثاقب فيفهم منه غير الذي أردته، فليسامحني فقد قيل:

وَكَمْ مِنْ عَائِبٍ قَوْلًا صَاحِحًا وَأَقْتُهُ مِنْ الْفَهْمِ السَّاقِيمِ

(شرح أبيات الكشاف: گ ۸۵-پ ۸۶)

بررسی ها نشان داد که إشکال شارح بر بیت مورد استناد زمخشری صحیح است.

گویندهٔ بیت در تفسیر کشاف ذکر نشده است (زمخشری، ۱۴۰۶ق: ۲۸۷/۴). مصرع اول آن در دیوان لبید بن ربیعہ آمده (نک. ابو عقیل عامری، ۱۴۲۵ق: ۵۷) و براساس بررسی انجام‌شده پیرامون مصرع دوم (أَدْبُ مَعَ الْوَلْدَانِ أَرْحَفُ كَالنَّسْرِ)، باید گفت ظاهراً این مصرع نخستین بار در تفسیر زمخشری آمده، لذا پیشینه‌ای برای آن ثبت نشده است و نام گویندهٔ آن مشخص نیست. همچنین انتساب این بیت به عبید بن ابرص که در برخی منابع آمده (مثلاً نک. محب‌الدین افندی، بی‌تا: ۴۲۲/۴؛ طه دُرَّة، ۱۴۳۰ق: ۷۰۲/۸، ۳۶۸/۱۰؛ غریب، ۱۴۴۰ق: ۱۲۵) فاقد پشتوانهٔ دقیق و علمی است، زیرا چنین بی‌تی، حتی به شکل ناقص، در دیوان عبید گزارش نشده است (نک. ابوزیاد أسدی، ۱۴۱۴ق: ۱۹-۱۲۴).

البته شارح هم در معرفی این قصیده به خطا رفته و برخلاف نوشتهٔ او، قصیده دارای ۲۰ بیت بوده که بیت پایانی آن طبق دیوان لبید چنین است:

سَلُوهُنَّ إِنْ كَذَّبْتُهُنِّي مَتَى الْفَتَى
يَذُوقُ الْمَنَابَا أَوْ مَتَى الْغَيْثُ وَاقِعُ
(ابوعقیل عامری، ۱۴۲۵ق: ۵۶-۵۷)

آخرین نکته قابل ذکر در این قسمت، قرائن حاکی از استفادهٔ دو مؤلف (شرف‌الدین طیبی و محب‌الدین افندی) از «شرح آیات الکشاف» است؛ به گونه‌ای که در ذیل بیت محل بحث، در دو کتاب فتوح الغیب و تنزیل الآیات عباراتی آمده است که حاکی از بهره‌گیری قطعی مؤلفان این دو اثر از این متن کهن است:

قال شارح الآيات: استشهاد بهذا البيت غير مناسب؛ لأنه لا مناسبة بين المصراعين من حيث اللفظ. المصراع الأول من قول لبید بن ربیعة ولعل اشبهه على المصنف الأمر، حتى ما فرق بين قوله: «أدبٌ كأنِّي كُلَّمَا قُمْتُ رَاكِعٌ» وبين قول القائل: «أدبٌ مَعَ الْوَلْدَانِ أَرْحَفُ كَالنَّسْرِ». وآيات القصيدة تسعة عشر بيتاً (شرف‌الدین طیبی، ۱۴۳۴ق: ۲۴۳/۱۴).

شرف‌الدین، علی‌رغم استفاده‌های مکرر از این اثر در کتاب خود، فقط یک‌بار از مؤلف این دست‌نوشته، آن هم با تعبیر مبهم و ناشناخته «شارح الآيات» یاد کرده است.

محب‌الدین افندی نیز چنین می‌نویسد:

قال شارح الآيات: والمصراع الأول من قول لبید بن ربیعة وهو من قصيدة طويلة ...
(محب‌الدین افندی، بی‌تا: ۴۲۲/۴-۴۲۳).

۲. اثرپذیری از منابع پیشین و تأثیر بر منابع بعدی

همچنان که گفته شد «شرحُ آیاتِ الکشاف»، به احتمال زیاد، تألیف قرن هفتم است. هرچند تاکنون این متن کهن ناشناخته بوده، اما اکنون با بررسی و تحلیل آن، زمینه آشنایی بیشتر با این متن از دو حیث فراهم می‌شود. اول، آگاهی از نوع و میزان اثرپذیری این متن از منابع قبل از خود است؛ چراکه کمیّت و کیفیّت منابع استفاده‌شده توسط مؤلف و چگونگی استفاده او از این منابع، بر میزان مهارت و توانایی علمی مؤلف گواهی می‌دهد. دوم، آشکارشدن میزان تأثیرگذاری این دست‌نوشته بر آثاری است که پس از نگارش و استنساخ این اثر، تألیف شده‌اند.

اینک، با ارائه شواهدی، به میزان اثرپذیری این متن از برخی منابع قبل از خود می‌پردازیم، با این توضیح که بنای کلی مؤلف بر ذکر نکردن نام این منابع بوده و اسامی این کتب از طریق پی‌جویی عبارات متن به دست آمده است.

از جمله کتاب‌هایی که در دسترس شارح بوده کتاب غریب الحدیث ابن قتیبه است و او عبارت «كُلُّ شَيْءٍ قَرْنَتْهُ بَشِيءٌ فَقَدْ أَدْمَتَهُ بِهِ» را عیناً از این کتاب نقل کرده است (شرح آیات الکشاف: گ ۵ر)؛ عبارتی که تنها در همان منبع آمده است (دینوری، ۱۳۹۷ق: ۱/۲۹۹). دو منبع لغوی جمهرة اللغة و تهذیب اللغة هم از منابع شارح بوده است. به عنوان مثال عبارت «وَكُلُّ صَائِدٍ عِنْدَ الْعَرَبِ صَقْرٌ، الْبَازِيُّ وَمَا دُونَهُ» تنها در جمهرة اللغة آمده (شرح آیات الکشاف: گ ۶پ؛ ابن‌دُرَید، ۱۹۸۷م: ۲/۷۴۲)، و عبارت «الرَّحْبُ وَالرَّحِيبُ: الشَّيْءُ الْوَاسِعُ» فقط در تهذیب اللغة ذکر شده است (شرح آیات الکشاف: گ ۳ر؛ ازهری، ۱۴۲۲ق: ۵/۱۸). شارح همچنین به کتاب مجمع الأمثال میدانی توجه ویژه‌ای داشته، چه این که در ذیل بیت شماره ۱۴ اقتباس تقریباً کاملی از آن کتاب صورت گرفته است (شرح آیات الکشاف: گ ۴پ؛ میدانی نیشابوری، بی تا: ۱/۲۰۳). به علاوه، به دلیل شباهت برخی عبارات مقدمه کتاب حاضر با مقدمه مجمع الأمثال، می‌توان گفت شارح با عنایت و تسلط بر کتاب میدانی و مقدمه آن، خطبه و مقدمه کتاب خویش را سامان داده است (نک. میدانی نیشابوری، بی تا: ۱/۱). شرح دیوان الحماسة ابوعلی مرزوقی و شرح معلقات السبع نوشته

ابوعبدالله زَوْرَنِي نیز از منابع مورد استفاده شارح بوده است؛ به عنوان نمونه، ذیل بیت شماره ۲۳، شارح جمله‌ای را عیناً از ابوعلی مرزوقی نقل کرده است (شرح آیات الکشاف: گ ۶ر؛ ابوعلی مرزوقی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۰). همچنین ذیل بیت ۳۹، تقریباً تمام عبارت‌های شرح، از کتاب زوزنی آمده است (شرح آیات الکشاف: گ ۹پ؛ ابوعبدالله زَوْرَنِي، ۱۴۲۳ق: ۲۵۹).

پس از ذکر برخی منابع شارح، به ذکر آثاری می‌پردازیم که از این متن متأثر بوده‌اند. دست‌کم سه اثر از کتاب حاضر بهره‌مند بوده‌اند و در اغلب موارد، بدون نام‌بردن از این کتاب یا شارح، به‌طور مستقیم از آن استفاده کرده‌اند:

۱-۲. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان

به احتمال قوی، نظام‌الدین نیشابوری (د. ۷۲۸ق) که از شاگردان قطب‌الدین شیرازی بوده، از کتاب حاضر بهره برده است. دلیل این ادعا همسانی دست‌کم یک عبارت^۱ در دو اثر است (قمی نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۴۴؛ شرح آیات الکشاف: گ ۵پ) که تقدّم کتاب حاضر بر تفسیر غرائب القرآن می‌تواند بهره‌گیری نیشابوری را از این کتاب نشان دهد. این عبارت در دیگر مصادر پیش از غرائب القرآن ذکر نشده است. تاریخ دقیق تألیف غرائب القرآن مشخص نیست، ولی با توجه به محتوای غنی آن، می‌توان نگارش آن را مربوط به دوران پختگی علمی مفسّر، و در سه دهه پایانی عمر ایشان، در نظر گرفت؛ و لذا تقدّم نسخه خطّی شرح ابیات بر تفسیر غرائب القرآن، قابل اثبات است.

۲-۲. فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب

از جمله شروح مهم و مفصلی که بر تفسیر زَمَخْشَرِي نگاشته شده، فتوح الغیب شرف‌الدین طیبی (د. ۷۴۳ق) است. عبارتی^۲ از کتاب حاضر با اندک اختلافی در کتاب فتوح هم آمده است (شرح آیات الکشاف: گ ۶پ؛ شرف‌الدین طیبی، ۱۴۳۴ق: ۱۰۹/۲). همچنین در

۱. و«غزاة» اسم امرأة شبيب الخارجي قتلہ الحجاج فحاربتہ سنة تامة.

۲. ولله در فقير يوايب همته ويمضي مُقَدِّمًا على الدهر، الخ.

جایی دیگر، استفاده او از کتاب حاضر مشخص است، چراکه شرف‌الدین عبارتی طولانی^۱ را، البته با تفاوت‌ها و کاستی‌هایی، از دست‌نوشته حاضر نقل کرده است (شرح آیات الکشاف: گ ۷-۷پ؛ شرف‌الدین طیبی، ۱۴۳۴ق: ۱۴۴/۲). گفتنی است این تفاوت‌ها به‌گونه‌ای نیست که شائبه بهره‌گیری شارح و شرف‌الدین را از منبعی مشترک در نظر آورد؛ چراکه عبارت طولانی پیش‌گفته، شرح یک بیت است و این دست‌نوشته، قدیم‌ترین شرح شواهد از کشاف به‌شمار می‌آید.

۲-۳. تنزیل الآيات على الشواهد من الآيات

از جمله شروحنی که بر شواهد شعری تفسیر کشاف نگاشته شده تنزیل الآيات است که در ابتدای سده یازدهم توسط محب‌الدین افندی تألیف شده است. افندی نیز از «شرح آیات الکشاف» متأثر بوده است. برای مثال، در ذیل بیت چهارم، مطالبی در معنای بیت درج شده^۲ (شرح آیات الکشاف: گ ۲پ) که افندی این جملات را در اثر خود با اندک‌اضافه‌ای بر آن ذکر کرده است (نک. محب‌الدین افندی، بی تا: ۵۴۵/۴).

همچنین افندی، در جایی دیگر، عبارتی را بی‌کم‌وکاست و بدون ذکر نام مأخذ آن، در کتاب خویش نقل می‌کند؛ درحالی‌که براساس بررسی‌های انجام‌شده، هرچند این عبارت با فعل «قیل» آغاز شده^۳، ولی تنها در «شرح آیات الکشاف» آمده است (شرح آیات الکشاف: گ ۱۰ر؛ محب‌الدین افندی، بی تا: ۳۶۶/۴).

۳. نکاتی چند در نقد شارح گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۱. سهو شارح در تعیین سراینده چند شعر

شارح در مواردی نام شاعر ابیات مورد استفاده را به‌نادرستی درج کرده است که در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. يقال: عَفَّ يَعْفُ عَفَافًا، ومنه العِفَّةُ وهي الكَفُّ عَمَّا لَا يَجِلُّ، الخ.
۲. و«الأناس» سُئِمُوا بِذَلِكَ؛ لظهورهم ولآتهم يُؤْتَسُونَ أَي: يُبْصَرُونَ كَمَا سُمِّيَ الْجَرْنُ؛ لاجْتِنَائِهِمْ. ومعناه: إنَّ الموتَ يَطَّلِعُ وَيُشْرِفُ عَلَى الْغَافِلِينَ مِنَ النَّاسِ الَّذِينَ لَيْسَ الْمَوْتُ فِي حَسَابِهِمْ.
۳. قيل: ينبغي أن يجعل الإنسان عند ذكر محبوبه نفسه قلباً ويجعل قلبه أذناً ثم يسمع ذكره.

الف) در ذیل بیت شماره ۳۰ که با «وَاسْتَمَطَرُوا مِنْ قُرَيْشٍ» آغاز شده، شارح برای توضیح و تکمیل مطالب خود، به دو بیت اشاره کرده و شاعر آن را عقیل بن ابی طالب دانسته است. این دو بیت براساس ضبط متن نسخه خطی عبارت است از:

بِعَمِّي سَقَى اللّٰهُ الْبِلَادَ وَأَهْلَهَا عَشِيَّةً يَسْتَسْقِي بِشَيْبَتِهِ عُمُرُ
تَوَجَّهَ بِالْعَبَّاسِ بِالْجَدْبِ رَاغِبًا فَمَا حَارَ حَتَّى جَادَ بِالذَّيْمَةِ الْمَطْرُ

(شرح ابیات الکشاف: گ ۷ پ)

منابع متقدم، شاعر این ابیات را اخصر لهبی دانسته‌اند^۱ که نام و نسب او «فضل بن عباس بن عتبة بن ابی لهب بن عبدالمطلب» است (نک. بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۸/۴؛ ماوردی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۱-۱۳۲؛ قرطبی، ۱۴۱۲ق: ۲/۸۱۵). علی‌رغم بررسی‌ها، مأخذی برای استناد نظر شارح یافت نشد. همچنین در فتوح الغیب، که متأخر از «شرح ابیات الکشاف» می‌باشد، همین خطا آمده (نک. شرف‌الدین طیبی، ۱۴۳۴ق: ۲/۱۶۱) و این خود دلیل دیگری بر اقتباس طیبی از این دست‌نویس است.

ب) شارح در تعیین نام شاعر ابیاتی با مطلع «أَمَّا وَالَّذِي نَادَى» دچار خطا شده و شاعر را بشار اعمی دانسته است (شرح ابیات الکشاف: گ ۸ ر)؛ درحالی‌که طبق بررسی، این ابیات از حماد عجرد است (نک. ابن معتز، بی تا: ۶۸). بشار و حماد معاصر بوده و یکدیگر را هجو می‌کردند (همان: ۶۷؛ جاحظ، ۱۴۲۴ق: ۷/۴۵۰) و احتمالاً به همین سبب، شارح در نگارش نام شاعر اشتباه کرده است. این ابیات در دست‌نوشته به این صورت آمده است:

أَمَّا وَالَّذِي نَادَى مِنَ الطُّورِ عَبْدَهُ وَكَرَّمَ بِالْإِنْجِيلِ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ
وَخَصَّ بِآيَاتِ الْقُرْآنِ مُحَمَّداً نَبِيَّ الْهُدَى صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
لَقَدْ حُزْتُ مِنْ قَلْبِي مَكَاناً مُمَنَّعاً أَرَى لَكَ مَعَهُ أَنْ أُرِيقَ لَكَ الدَّوَا

ج) همچنین شاعر بیت شماره ۵۱ شَمَاح معرفی شده (شرح ابیات الکشاف: گ ۱۰ پ)، درحالی‌که این بیت از نابغه ذبیانی است (نابغه ذبیانی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۳). علاوه‌بر نقل این

۱. نقل این دو بیت در این منابع، با نقل و ضبط آن در «شرح ابیات الکشاف»، اندک تفاوت‌هایی دارد.

۲. «الدِّمَا» صحیح است.

بیت در دیوان نابغه، منابع دیگر نیز، این بیت را از او دانسته‌اند (نک. جوهری، ۱۴۰۷ق: ۱۹۴۷/۵؛ معافری، ۱۳۹۵ق: ۵۵۵/۳؛ صغانی، ۱۳۹۷ق: ۵۰/۶). این بیت در دست‌نوشته چنین آمده است:^۱

عَفَا آيَةُ نَسْجِ الْجَنُوبِ مَعَ الصَّبَا وَأُسْحَمُ دَانَ صَادِقِ الرَّعْدِ صَيِّبِ

این خطا ناشی از اعتماد شارح به زمخشری است. در کشف مصرع دوم از بیت پیش‌گفته به‌عنوان شاهد برای معنای واژه «صَيِّب» ذکر و به شَمَاح منتسب شده است (زمخشری، ۱۴۰۶ق: ۸۱/۱). به احتمال زیاد خطای صاحب کشف هم ناشی از شباهت میان نابغه ذبیانی و شَمَاح بن ضِرار ذبیانی بوده باشد. البته زمخشری در اثر دیگرش، أساس البلاغة، نام شاعر این بیت را به‌درستی نقل کرده و ضبط او از بیت هم مطابق ضبط دیوان ذبیانی است (همو، ۱۴۱۹ق: ۵۶۲/۱). شایان ذکر است صرفاً مصرع «وَأُسْحَمُ دَانَ صَادِقِ الرَّعْدِ صَيِّبِ» در بخش ملحقات دیوان شَمَاح نقل شده، ولی محقق این دیوان، در پانوشتی بر این مصرع، به گفته کشف پیرامون گوینده این مصرع اکتفا کرده و نیافتن این مصرع و نیز مصرع اول آن را در منابع و مصادر، متذکر شده است (ذبیانی، ۱۹۶۸م: ۴۳۲).

۲-۳. خطای شارح در تشخیص ریشه واژه

از واژه‌های محل بحث در میان اهل لغت، واژه «عَم» یا «عَمُوا» بوده که تعیین ریشه آن با اختلاف نظر همراه بوده است. شارح نیز درباره اصل این واژه دچار تردید و خطا شده و در عباراتی مجزاً دو نظر ناهمگون اظهار کرده است. در شرح بیت دوم از کتاب، که در ذیل «بسمله» در سوره حمد آمده است، شارح چنین می‌نویسد:

أَتَسْوَانَارِي فَقُلْتُ مَنْوَنَ أَتُّنْمُ؟ فَقَالُوا الْجِنُّ قُلْتُ عَمُوا ظَلَامًا

«عَمُوا ظَلَامًا» کلمه تحییة من «وَعَمَ يَعْم» مثل «وَعَدَ يَعِد» ومعناه طاب عیشکم فی الظلام وكذلك «عَمُوا صَبَاحًا» (شرح آیات الکشف: گ ۲ر).

۱. آنچه در دیوان ذبیانی آمده، با ضبط دست‌نویس «شرح آیات الکشف»، اندکی متفاوت است:

عَفَا آيَةُ رِيحِ الْجَنُوبِ مَعَ الصَّبَا وَأُسْحَمُ دَانَ مُرْنُهُ مُتَّصَوَّبِ

(نابغه ذبیانی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۳)

همچنین در ذیل بیت شماره ۶۸، متفاوت از نظر فوق، این‌گونه نوشته است:

أَلَا أُنْعِمُ صَبَاحاً أَيُّهَا الظَّلَلُ البَالِي وَهَلْ يُنْعَمَنَّ مَنْ كَانَ فِي العُصْرِ الخَالِي؟
«أُنْعِمُ صَبَاحاً» مِنْ «نَعِمُ يُنْعَمُ» إِذَا طَابَ عَيْشُهُ. وَمَعْنَى «أُنْعِمُ صَبَاحاً» أَي: طَابَ عَيْشُكَ فِي
الصَّبَاحِ وَمِثْلُهُ قَوْلُ الشَّاعِرِ:

أَلَا أُنْعِمُ صَبَاحاً أَيُّهَا الرُّبْعُ وَأَنْطِقِ وَحَدَّثَ حَدِيثَ الحَيِّ إِنْ شِئْتَ وَأَصْدُقِ

(همان: گ ۱۳-ر ۱۳پ)

نکته قابل توجه این‌که شارح «عَمُوا صَبَاحاً» و «أُنْعِمُ صَبَاحاً» را مطابق هم‌دیگر معنا کرده، ولی ریشه آن‌دو را متفاوت از هم دانسته است. در معجم لغوی، فعل امر «أُنْعِمُ» به شکل ثلاثی مجرّد و ثلاثی مزید مضبوط است: «أُنْعِمُ» و «أُنْعِمُ» (نک. زمخشری، ۱۴۱۹ق: ۲۸۷/۲؛ ازهری، ۱۴۲۲ق: ۱۶۲/۳). در کلام عرب، واژه «عِمُ» نسبت به «أُنْعِمُ» کاربرد بیشتری دارد (نک. صغانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۴/۶). از طرفی «عَمُوا» در نزد عرب جاهلی، تعبیری برای تحیت به پادشاهان بوده (دینوری، ۱۹۹۲م: ۲۷/۱) و به معنای «أُنْعِمُوا» است (رضی استرابادی، ۱۳۹۵ق: ۲۹۶/۴). عرب در محاورات خود «عِمُ صَبَاحاً» را استفاده می‌کرد و اصل این عبارت «أُنْعِمُ صَبَاحاً» از فعل «نعم ینعم» است؛ در «عِمُ صَبَاحاً» حرف فاء‌الفعل «ن» به جهت استخفاف در کلام، حذف شده است تا تلفظ آن سبک‌تر شود؛ زیرا تحیت در لغت عرب، بیشتر با این عبارت انجام می‌شده و تلفظ آن شایع‌تر بوده است (ابوسعید سیرافی، ۱۴۲۹: ۴۱/۱). احتمالاً کاربرد این واژه در باب افعال، یعنی استعمال آن به صورت «أُنْعِمُ»، فصاحت کمتری داشته باشد؛ چه این‌که، طبق آنچه اشاره شد، فاء‌الفعل محذوف حرف «ن» بوده و این نکته حاکی از آن است که این فعل امر، از ثلاثی مجرّد ساخته شده است،^۱ بنابراین شاید بتوان گفت «أُنْعِمُ» فصیح‌تر به نظر می‌آید.

از طرفی ازهری در معجم لغوی خویش در ذیل ریشه «و.ع.م» چنین آورده است:

آنچه ما در معنای عبارت «عِمُ صَبَاحاً» شنیده و ثبت کرده‌ایم آن است که این عبارت

۱. نکته قابل توجه در این‌باره آن است که همزه وصل را می‌توان حذف کرد، ولی همزه قطع، مانند همزه وصل، به راحتی قابل حذف نیست.

به معنای «أَنْعَمُ صَبَاحاً» می‌باشد. همان‌طور که ابوالفضل به نقل از ثعلب و او از ابن اعرابی برای من روایت کرده است که گفته می‌شود «أَنْعَمُ صَبَاحاً» و «عَمَّ صَبَاحاً» یک معنای دارند. لذا گویا این گونه است که وقتی عبارتی در کلام عرب شایع باشد، بعضی از حروف آن به دلیل آشنایی مخاطب با آن حذف می‌شود، مانند «لَا هُمْ» که عبارت کامل آن اللهم است (ازهری، ۱۴۲۲ق: ۱۶۱/۳-۱۶۲).

گفتنی است که «نِعِمَ يَنْعَمُ» ضبط اصحّ این فعل بوده و به کار بردن آن به صورت «نِعِمَ يَنْعَمُ» غیر قیاسی است و لذا، در بیت «أَلَا أَنْعَمُ صَبَاحاً...»، عین الفعل به دو صورتِ مفتوح و مکسور به کار می‌رود (ابن دُرُسْتَوَيْه، ۱۴۱۹ق: ۳۲۹). به علاوه درباره «أَنْعَمُ صَبَاحاً» در منابع کهن چنین آمده است:

این عبارت برای تحیت در میان عرب‌زبان‌ها به کار می‌رفته و از واژه «نعمه» مشتق شده و در ضبط آن چهار لغت ذکر شده است: اول، «أَنْعَمُ صَبَاحاً» از نِعِمَ يَنْعَمُ، مانند عِلِمَ يَعْلَمُ؛ دوم، «أَنْعَمُ صَبَاحاً» از نِعِمَ يَنْعَمُ، مانند حِسِبَ يَحْسِبُ؛ سوم، «عَمَّ صَبَاحاً» از وَعَمَّ يَعَمُّ، مانند وَضَعَ يَضَعُ؛ چهارم، «عَمَّ صَبَاحاً» از وَعَمَّ يَعَمُّ مانند وَعَدَّ يَعِدُّ (ابوعبداللّه زَوْزَنِي، ۱۴۲۳ق: ۱۳۵).

با توجه به نقل چهاروجهی اخیر شاید بتوان گفت که شارح در نگارش مطالب خود پیرامون این واژه، متأثر از ابوعبداللّه زوزنی بوده است. البته زوزنی در ذیل چهار وجهی که برای این لغت برشمرده، توضیحی نیاورده و مدّعی خود را بر استدلالی قوی بنا نهاده است. به هر حال، با بررسی مطالب نقل شده از کتب و معاجم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این واژه از ریشه «ن.ع.م» است و به کار بردن مشتقات مختلف آن، به تغییر اصل و ریشه واژه نمی‌انجامد. اما در این که ریشه «و.ع.م» معنایی نزدیک به «ن.ع.م» داشته باشد ایرادی نیست، هر چند نیاز به بررسی دارد. لذا سهو شارح در تعیین اصل و ریشه واژه، در ذیل بیت دوم از کتاب، مشخص شد.

نتیجه

دست‌نوشته کهن و نویافته «شرحُ آیاتِ الکشاف»، متعلّق به قرن هفتم هجری و قدیم‌ترین اثر در شرح آیات مورد استناد تفسیر الکشاف است. این اثر تألیف یکی از شاگردان

ناشناخته «ظهیرالدین صحاف» بوده و شارح به احتمال قوی، مذهب اشعری داشته و فردی مسلط بر علوم ادبی و آثار دانشمندان اسلامی، به‌ویژه تألیفات زمخشری بوده است. بهره‌مندی شارح و قطب‌الدین شیرازی از استاد نام‌برده در زمینه درس کشاف، درون‌مایه‌ای برای پژوهش‌های دیگر تواند بود.

ابن قتیبه دینوری، ابن‌درید، ازهری، ابن‌ناته، ابوعلی مرزوقی، ابو‌عبداللّه زوزنی و میدانی نیشابوری، از دانشمندانی‌اند که شارح بر آثار آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته است. از طرفی آگاهی مؤلف نسبت به صنعت شعر و ادب عربی و توانایی او بر نقد اشعار، زمینه‌های دیگری است که عیار علمی او را آشکار می‌کند. از همین روست که تصحیح این متن کهن واجد اهمیت است.

هرچند مؤلف این متن، اثر خویش را به‌صورتی فنی و علمی عرضه کرده، اما نقدهایی بر کار او وارد است که از جمله آن‌ها تشخیص نادرست شاعر در چند شعر و خطای او در تشخیص ریشه واژه «عم» می‌باشد.

پس از تخریج مصادر این اثر خطی، مشخص شد که نظام‌الدین نیشابوری، شرف‌الدین طیبی و محب‌الدین افندی، از جمله مؤلفانی هستند که از این دست‌نوشته بهره برده‌اند، ولی در بیشتر موارد نامی از آن ذکر نکرده‌اند و اهمی به شناساندن این شارح ناشناخته نیز نداشته‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم
 انك واما يفتح به الكتاب واحق ما يوضحه صدر الخطاب حمد الله الكريم
 الرحيم الوهاب الذي وعد العباد واوعد لعقبات ثم الصلوة على محمد النبي
 اشرف العرعرين طهر من كل دنس رب وعالم على له واصحابه الاحباب ويعد
 فان لخاص اخواني وخلص خلافتي شاركتي بعد ان شرحت آيات كتاب المفصل ان
 اشرح آيات الكتاب في التفسير الذي صنعه الامام العلامة جلال الله بن محمد
 وهي زها الفيتة اكثرها منسوخا لمقطع مقطع المطالع خافية معانيها على البشر
 الاديان حتى الفحاح منهم والحقا فشررت عن ساق جدي وافرغت في مطاوعته جهلك
 وطالع تصانيف العلماء ووصف دواوين القداما واستخرجت منها تيمم الآيات و
 شرحها كما هو منتقاة من آيات اللغات بعد ان رايت علماء العصر ولعل الفاسرحة
 الاعراض عن منبها عليهم في الغرض وليس ذلك الا لبحر القول مع استحقاقه
 فانه بالحسنة حال قص السبوح عليه سبحانه وعاصم من تحريمه على غيره على الحج
 من نيل امانه ظل صحرا ما انزل الله ذر القابل حقه في الدنيا سوى القربة التي
 تبقى هادرا لافدا من خشية ولا عذر ان تهيى من خشية بامر اذا عتقوا اسد الشري
 زبح الشرا وانا اعتدته الى المطالع من عمل تراه واستغفر الله مما الارضاه وهو ووتى
 التوفيق وبالجمد والاشد وحقيق سورة الفاتحة منها قول الشاعر
 يا عم الذي في كل سورة سيرة قد ذكرت على طرقتي نعمة استعاق الاسم السموم
 هو الرقة واصلهم ومثل مثل يدل انك اذا صغرت قلت سمى وجمعه اسما مثل قبي
 واقا وعنوا حنا وفيه لغات اسم وسيم وسمى وسمى والشاعر بهما والاسم احد اسم العظم
 التي بنوا واليهما على السكون فان نطقوا بها مبتدئين والواحدة ليلانقع ابتداء وهم بالاسم
 ولذا وقعت في الدرج انصفا في زيادة في الاسماء العشرة هي بن وابنة وابيم وانشان وانغان وامر

وين

تصنيف
 الفاتحة
 سورة الفاتحة
 الفاتحة
 الفاتحة
 الفاتحة

صفحة آغاز دست نوشته شماره ۶۲۵ از مجموعه فاتح



صفحه انجام دست‌نوشته شماره ۶۲۵ از مجموعه فاتح

منابع

- قرآن کریم
- ابن خلّکان، احمد بن محمّد (١٩٧٠م). وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزّمان. تحقيق: احسان عباس. بيروت: دار صادر.
- ابن دُرُشْتَوِيه، عبدالله بن جعفر (١٤١٩ق). تصحيحُ الفصيح وشرجه. تحقيق: محمّد بدوى مختون. قاهرة: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية.
- ابن دُرَيْد، محمّد بن حسن (١٩٨٧م). جمهرة اللغة. تحقيق: رمزي منير بعلبكي. بيروت: دار العلم للملايين.
- ابن مُعْتَز، عبدالله بن محمّد (بى تا). طبقات الشعراء. تحقيق: عبدالستار احمد فراج. قاهرة: دار المعارف.
- ابوزياد أسدى، عُبيد بن أبرص (١٤١٤ق). ديوان عبید بن الأبرص. شرح: اشرف احمد عدرة. بيروت: دارالكتاب العربى.
- ابوسعید سیرافى، حسن بن عبدالله (١٤٢٩ق). شرح كتاب سيبويه. تحقيق: احمد حسن مهديلى و على سيد على. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابوشعثةا عَجَّاج، عبدالله بن رُوْبَيَّة (١٤١٦ق). ديوان العجاج. تحقيق: عزة حسن. بيروت: دار الشرق العربى.
- ابو عبدالله زُوْرَنِي، حسين بن احمد (١٤٢٣ق). شرح المعلّقات السبع. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ابو عقيل عامرى، كَبِيد بن رَبِيعَة (١٤٢٥ق). ديوان لبید بن ربیعة. تحقيق: حمدو طمّاس. بيروت: دار المعرفة.
- ابو على قالى، اسماعيل بن قاسم (١٤١٩ق). المقصود والممدود. تحقيق: احمد عبدالمجيد. قاهرة: مكتبة الخانجى.
- ابو على مرزوقى، احمد بن محمّد (١٤٢٤ق). شرح ديوان الحماسة لأبي تمام. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ازهرى، محمّد بن احمد (١٤٢٢ق). تهذيب اللغة. تحقيق: محمّد عَوْض مُرْعَب. بيروت: دار إحياء التراث العربى.

- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۳۲ق). الإبانة عن أصول الدیانة. تحقیق: صالح عُصیمی تمیمی. ریاض: دار الفصیلة.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). کتاب جُمَل من أنساب الأشراف. تحقیق: سهیل زگار و ریاض زركلی. بیروت: دارالفکر.
- بهاء الدین عاملی، محمّد بن حسین (۱۴۱۸ق). الکشکول. تحقیق: محمّد عبدالکریم نمری. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۴ق). کتاب الحیوان. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جزائری، طاهر بن صالح (۱۴۲۸ق). شرح خُطب ابن نُباتة. تحقیق: احمد فرید مزیدی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جوهری، اسماعیل بن حمّاد (۱۴۰۷ق). الصّحاح؛ تاج اللّغة وصّحاح العربیة. تحقیق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- حبشی، عبدالله محمّد (۱۴۲۵ق). جامع الشّروح والحواشی. ابوظبی: المجمع الثّقافی.
- حمیری یمنی، نُشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). شمس العُلم ودواء کلام العرب من الکُلم. تحقیق: حسین بن عبدالله عمری و مطهر بن علی ایرانی و یوسف محمّد عبدالله. دمشق: دار الفکر.
- دینوری، ابن قُتیبة (۱۳۹۷ق). غریب الحدیث. تحقیق: عبدالله جبوری. بغداد: مطبعة العانی.
- _____ (۱۹۹۲م). المعارف. تحقیق: ثروت عکاشة. قاهرة: الهيئة المصریة العامة للکتاب.
- ذُبیانی، شَمّاخ بن ضرار (۱۹۶۸م). دیوان الشّمّاخ بن ضرار الذبیانی. تحقیق: صلاح الدّین هادی. قاهرة: دار المعارف.
- رضی استرابادی، محمّد بن حسن (۱۳۹۵ق). شرح شافیة ابن الحاجب. تحقیق: محمّد نورالحسن و محمّد زفزاف و محمّد محیی الدّین عبدالحمید. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۹ق). أساس البّلاغة. تحقیق: محمد باسل عیون السّود. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (۱۴۰۶ق). الکشاف عن حقائق غوامض التّنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التّأویل. تحقیق: مصطفی حسین احمد. بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (بی تا). الکشاف عن حقائق التّنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التّأویل. بیروت: دار المعرفة.

- شرح آیات الكشاف. نسخة خطی مجموعة فاتح كتابخانه سليمانیه تركيه، به شماره ٦٢٥. كتابت: ٦٩٦ق.
- شرف الدين طيبي، حسين بن عبدالله (١٤٣٤ق). فتوح الغيب في الكشاف عن قناع الرّيب؛ حاشية الطيبي على الكشاف. تحقيق: اياذ احمد غنّوج و جميل بنى عطا. دبی: جائزة دبی للقرآن الكريم.
- صغاني، حسن بن محمد (١٣٩٧ق). التكملة والذيل والصلة لكتاب تاج اللغة وصحاح العربية. تحقيق: عبدالعليم طحاوى و ابراهيم اسماعيل أيارى و محمد ابوالفضل ابراهيم. قاهرة: دار الكتب.
- طه دُرّة، محمد على (١٤٣٠ق). تفسير القرآن الكريم وإعرابه وبيانه. دمشق: دار ابن كثير.
- عبّادى، عبدالله بن محمد (بى تا). ذيل طبقات الفقهاء الشافعيّين. تحقيق: احمد عمر هاشم و محمد زينهم محمد عزب. قاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- غريب، مسعود (١٤٤٠ق). الشاهد الشعري؛ دراسة معجمية بلاغية الكشاف للزمخشري عينة. عمّان: دار المعتز.
- قرطبي، ابن عبدالبرّ (١٤١٢ق). الاستيعاب في معرفة الأصحاب. تحقيق: على محمد بجاوى. بيروت: دار الجيل.
- قمى نيشابورى، نظام الدين (١٤١٦ق). تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ماوردى، على بن محمد (١٤٠٩ق). أعلام النبوة. بيروت: دار ومكتبة الهلال.
- محب الدين افندى، محمد بن ابى بكر. تنزيل الآيات على الشواهد من الآيات؛ شرح شواهد الكشاف. جلد ٤ - زمخشري (بى تا). م انسانى ومطالعات فرسكى
- مرزوقى، محمد عليان. مشاهد الإنصاف على شواهد الكشاف. مقدمه/ پاورقى - زمخشري (١٤٠٦ق). رتال طابع علوم انسانى
- معافرى، سعيد بن محمد (١٣٩٥ق). كتاب الأفعال. تحقيق: حسين محمد محمد شرف. قاهرة: مؤسسة دار الشعب.
- ميدانى نيشابورى، احمد بن محمد (بى تا). مجمع الأمثال. تحقيق: محمد محيى الدين عبدالحميد. بيروت: دار المعرفة.
- نابغة دُبانى، زياد بن معاويه (١٤١٦ق). ديوان النابغة الذبياني. شرح: عبّاس عبدالساتر. بيروت: دار الكتب العلمية.

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

